

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

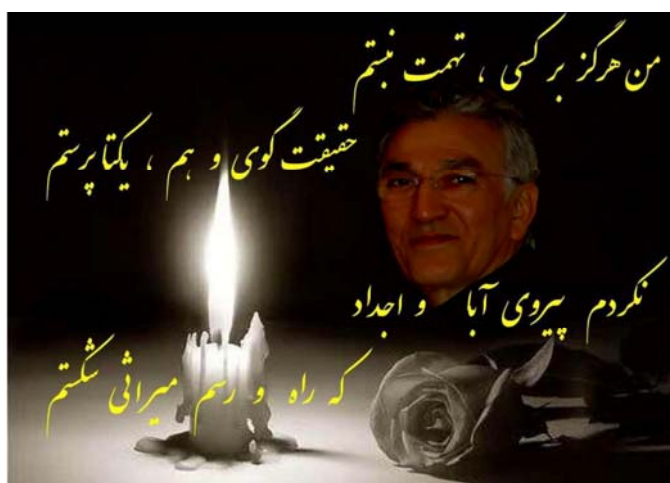
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۰۱ اکتوبر ۲۰۱۸



شکرانه

شکر یارب، که سفر کرده ما باز آمد
تا خبردار شدم، زود ترک می آید...
دمِ راهش به پذیرائی شدم شهر به شهر
شکر یارب که امانت به سلامت بودی
روزمِ عید و چو نوروز شبِ ما چو برات
«نعمتا!» رنج و غم و غصه، زما کرد فرار
چشم دل روشن و احساس به ابراز آمد
مرغ دل از قفس سینه به پرواز آمد
نقد جان واژه شد و خامه به پرداز آمد
هست و بودم به نثار رهش انداز آمد
همدم و همدل و همخانه و همراه آمد
زانکه جانانه، به کاشانه خود باز آمد

شکرانه

شکریاب که سفر کرده ما باز آمد
چشم دل روشن و، احسان به ابراز آمد
تا خبردار شدم، زودترک می آید
مرغ دل از قفس سینه، به پرواز آمد
دمِ راهش به پذیرایی شدم شهر به شمس
نقد جان واژه شد و خامه به پرواز آمد
شکریاب که امانت به سلامت بودی
هست و بودم به نشرِ رهش انداز آمد
روزِ ما عید و چو نوروز . شبِ ما چو برات
همدم و همدل و، بخانه و همراه آمد
«نمست»! رنج و غم و غصه، زما کرد فرار
ز آنکه جانانه، به کاشانه خود باز آمد